فهرست

[موضوع: تفسیر تربیتی/ مقدمات 2](#_Toc150954922)

[پیشگفتار 2](#_Toc150954923)

[بررسی آیات تربیتی قرآن 2](#_Toc150954924)

[آیه اول: بررسی آیه ۵۴، سوره روم 2](#_Toc150954925)

[احتمالات جمله «مِنْ ضَعْفٍ» 3](#_Toc150954926)

[آیه دوم: بررسی آیه ۵ سوره حج 4](#_Toc150954927)

[نکته اول 4](#_Toc150954928)

[احتمالات در لِنُبَیِّنَ لَکُمْ 4](#_Toc150954929)

[نکته دوم 5](#_Toc150954930)

[تکرار مطلب جلسه قبل 6](#_Toc150954931)

[نکته سوم 6](#_Toc150954932)

[مراحل تربیتی در قرآن 6](#_Toc150954933)

[نکته اول 7](#_Toc150954934)

[نکته دوم 7](#_Toc150954935)

[نکته سوم 7](#_Toc150954936)

# موضوع: تفسیر تربیتی/ مراحل رشد در قرآن

# پیشگفتار

بحث در مراتب تربیت در قرآن بود و اینکه قرآن کریم نسبت به مراحل رشد و تربیت در دوره حیات انسان چه رویکردی دارد؟ این مبحث و سؤال اساسی همان رویکرد قرآن کریم به این مقوله است که تفاصیل این سؤال و ابعاد آن به تدریج مورد توجه قرار خواهد گرفت.

عرض شد طوایفی از آیات قرآن کریم به مراحل حیات انسان از یک منظر عام پرداختند و طوایفی هم به حیات مادی انسان که از دوره جنین شروع می‌شود و تا پایان عمر بشر در این عالم پرداختند و طوایفی هم تمرکز بیشتر در دوره جنینی دارد و یک طوایفی هم تمرکز بیشتری به حیات انسان پس از تولد. که تمرکز بیشتر سؤالات ما هم در خصوص این نوع اخیر و آیاتی که به ادوار حیات انسان در کره زمین در روزگار پس از تولد است.

این گروه و طایفه اخیر حدود ده آیه مهم دارد که با همان نگاه تکوینی و توصیفی این ادوار را ذکر می‌کنند و به آن می‌پردازند. تعدادی از آیات هست که با نگاه تشریعی و معطوف به احکام بعضی از ادوار زندگی و مراحل زندگی را بیان کرده‌اند.

پس آن دسته از آیاتی که به مسئله ادوار و مراحل حیات مادی انسان پرداخته‌اند، به دو بخش عمده تقسیم می‌شود؛ بخشی که نگاه تکوینی و توصیفی دارند و بخشی هم که نگاه و رویکردی به مسائل احکام و قضایای تشریعی دارند.

در بخش اول حدود ده آیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است برای اینکه به شکل جامع‌تری به این ادوار پرداخته‌اند؛

# بررسی آیات تربیتی قرآن

قرار هم بر بسط آیات نیست در یک حدی نکاتی را ذکر می‌کنیم در هر تک آیه‌ای اگر می‌خواستیم به شکل عمیق به هر تک آیه بپردازیم خیلی بحث طولانی‌تر می‌شد.

## آیه اول: بررسی آیه ۵۴، سوره روم

آیه اول آیه ۵۴ سوره روم بود که می‌فرماید:

أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

**﴿اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِیمُ الْقَدِیرُ﴾** این آیه بود که بعضی نکات کلی راجع به آن عرض کردیم، در این آیه سوره روم سه مرحله خیلی کلی از منظر کلی حیات بشر را بعد از تولد بیان می‌کند؛ دوره ضعف و کم‌توانی، دوره قدرت و نیرومندی و یک دوره جدید و نهایی ضعف و پیری. این نگاه خیلی کلی است که سه مرحله است، از جزئیات انسان بیرون بیاید از یک منظر خیلی بالا بخواهد ادوار حیات یک انسان در دنیا را بیان بکند این سه دوره است.

البته همه اینها نکره است، **﴿ضَعْفٍ ثُمَّ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا﴾** برای اینکه اینها مراتب و درجات دارد از دو جهت درجات دارد، یکی اینکه آدم‌ها باهم فرق می‌کنند **﴿قَدْ خَلَقَکُمْ أَطْوَارًا﴾**[[1]](#footnote-1)، این قوت و ضعف آن‌ها در همه یک جور نیست که در یک سن خاصی باشد، متفاوت است و تفاوت افراد وجود دارد و از یک طرف هم در یک فرد هم نمی‌شود دقیق گفت که الان این ضعف تمام شد و قوت شد و قوت تمام شد و ضعف شروع شد.

و لذا هم تفاوت میان‌فردی وجود دارد در جدایی این مراحل، نمی‌شود دقیق مرزبندی کرد و هم در یک فرد هم مرزبندی‌ها خیلی دقیق نیست از این جهت است که با الفاظ نکره این سه مرحله را از یک منظر کلی بیان می‌کند.

### احتمالات جمله «مِنْ ضَعْفٍ»

این یک نکته بود که در این آیه شریفه اشاره شد و یکی هم این را گفته بودیم که «مِنْ ضَعْفٍ» می‌تواند دو احتمال داشته باشد؛ یک احتمال اینکه شامل آن دوره جنینی هم بشود چون ضعف در دوره جنینی تا زمانی که به نوجوانی و شروع جوانی برسد وجود دارد.

یک احتمال دیگر این است که آیه ناظر به حیات بعد از تولد باشد و مقصود فقط دوره رضاع و کودکی و تا نوجوانی است فقط، این هم یک احتمال بود که ظاهراً عرض کرده بودیم.

در همه اینها «ثُمّ» دارد، برای اینکه این یک دوره طولانی می‌شود و آن ضعف و شیبه اخیر هم بر خلاف بعضی از آیات که آمده است دوره کهن‌سالی و پیری را تقسیم کرده است به دوره اول که بعضی در همان وقت از دنیا می‌روند و بعضی ارذل عمر می‌رسند که اینجا همه آن‌ها جمع است، در آن مرحله سوم هر دو سه مرحله کهن‌سالی و پیری و ارذل عمر جمع است، آن تفکیکی آنجا بین دو گروهی که در یک سن پایین‌تری می‌میرند و آن‌هایی که می‌رسند به ارذل عمر، نشده است. پس این آیه یک منظر کلی را در این مراحل و ادوار نشان داد.

این نکته دیگری بود که در این آیه بیشتر نگاه، همان قدرت و علم و قدرت خداست که در این آیه الهی آن نشان‌های علم و قدرت خدا را ببینید. این آیه اول.

## آیه دوم: بررسی آیه ۵ سوره حج

آیه دوم متفاوت از آیه اول بود در هدفی که از ذکر این نمونه‌ها بیان شده بود، در هفته قبل عرض کردیم در این آیه هدف توجه دادن به معاد است، در آن آیه توجه به مبدأ بود و در این آیه توجه به معاد است گرچه در ادامه آیات بعد به مسئله مبدأ هم اشاره می‌کند.

در این آیه هم نکاتی را عرض کردیم؛ **﴿فَإِنَّا خَلَقْنَاکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾** این آیه تا اینجا به مراحل جنینی و ادوار جنینی اشاره کرد و در ادامه به ادوار حیات بعد از جنین و بعد از تولد اشاره کرده است. این نکته‌ای است که در آیه شریفه بود و تا اینجا رسید که مِنْ تُرَابٍ که نگاه به نوع بود، بعد فردی نگاه می‌کرد؛ **﴿مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾**، در تفسیر مخلقه و غیر مخلقه وجوهی ذکر شده است که آن که جاافتاده‌تر است این است که مخلقه یعنی شکل گرفته و غیر مخلقه یعنی آن که شکل نمی‌گیرد و احیاناً سقط می‌شود، مخلقه آن مرکبه‌ای است که همه اجزاء آن شکل می‌گیرد و به حیات ادامه می‌دهد و غیر مخلقه آن است که اختلالی در آن پیدا می‌شود و به سرانجام نمی‌رسد.

حالا آیا غیر مخلقه آن که معیوب به حیات در جنین ادامه می‌دهد و احیاناً اصلاً تولد هم پیدا می‌کند، می‌گیرد یا نمی‌گیرد، محل تأملی هست.

## نکته اول

لِنُبَیِّنَ لَکُمْ تا اینجا نکته‌ای که وجود دارد این است که دو بخش از هم جدا کرده است، ولی نه به طور مطلق و کامل، تا اینجا بیشتر جنینی است، بحث بعدی به سمت دوره پس از تولد می‌رود ولی در عین حال اشاره‌ای هم به دوره پس از تولد به آن آغاز جنینی هم وجود دارد، این‌طور نیست که بگوییم قبل از لِنُبَیِّنَ لَکُمْ جنین است و بعدش حیات است. علی الاصول این دو تفکیک شده است با یک لِنُبَیِّنَ لَکُمْ، می‌فرماید این خلقت بشر از تراب بود، خلقت فرد بشر این مراحل نطفه، علقه و مضغه را طی کرد و نهایتاً مخلقه و غیر مخلقه شد، به عبارت دیگر بعد از مضغه، مخلقه می‌شود، منتهی کنار آن غیر مخلقه را هم ذکر کرده است.

### احتمالات در لِنُبَیِّنَ لَکُمْ

این چند مرحله جنینی را ذکر می‌فرماید و می‌فرماید لِنُبَیِّنَ لَکُمْ، برای اینکه برای شما حقیقت را بیان کنیم، این سیر را طی کردیم؛ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ، این لِنُبَیِّنَ لَکُمْ و چیزهایی از این قبیل که هدف قبلی بیان می‌آید دو احتمال در آن وجود دارد؛

۱- اینکه این مراحل را تنظیم کردیم تا فرد به جایی برسد که خطاب خدا را بگیرد، بیان خدا را بگیرد.

۲- اینکه اینها را می‌گوییم تا حقیقت را برای شما روشن کنیم.

ظاهر احتمال دوم است که می‌گوید من اینها را بیان می‌کنم که خدا چگونه شخص انسانی را سیر داد در این مراحل و پیش آورد، بیان من لِنُبَیِّنَ لَکُمْ، برای اینکه مسئله معاد را برای شما بیان بکنیم، چون روح آیه همان توجه دادن به معاد و امکان تطور موجودات است، امکان این است که در مسیر حیاتی خودشان تطور پیدا بکنند و رویش‌های جدید در عالم پیدا بشود، این امکان رویش جدید را با این مثال برای شما بیان می‌کنم، ظاهر این است که این بیان این ادوار تحولی یک موجود و رویش‌های جدید از دل یک موجود قبلی برای توجه دادن به معاد است.

احتمال اول بعید است، احتمال اول این بود که می‌گوید من این جور خلق می‌کنم که به وقتی برسی که بیان را دریافت بکنی، ظاهر همین احتمال دوم است.

این قسمت با لِنُبَیِّنَ لَکُمْ جدا می‌شود یعنی میان این حدود هشت مرحله‌ای که ذکر می‌کند، وسط آن‌ها یک لِنُبَیِّنَ لَکُمْ دارد که معطوف به همان بیان برای بحث معاد است.

ادامه آیه مراحل بعدی را ذکر می‌کند: **﴿وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی﴾** چون داشت مخلقه و غیر مخلقه، سقط شده و سقط نشده، بعد فرمود لِنُبَیِّنَ لَکُمْ، در ادامه می‌فرماید که؛ می‌خواهم بروم در آن مراحل حیاتی اصلی، می‌گوید یک عده دیگر **﴿وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ﴾** مستقر می‌کنیم؛ **﴿إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی﴾** و بعد **﴿ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾** که عرض خواهیم کرد.

پس قسمت اول آیه تا قبل از لِنُبَیِّنَ مربوط به ادوار جنینی است. قسمت دوم مربوط به ادوار تولد است ولی چون آن قرار و ماندگاری جنین پایه حیات بعد از تولد است آن را به عنوان پایه و اساس در قسمت دوم ذکر می‌کند.

آن قرار و استقرار جنینی که ظاهرش آن مراحل پایانی جنین است، گویا همان دوره طفل بودن است، حیات پیدا کرده است و حرکت دارد و آن همه ویژگی که در جنین در ماه‌های آخر وجود دارد به قدری برجسته است که گویا طفل است، از این جهت این را در بخش دوم قرار داده است.

پس آیه به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول قبل از لِنُبَیِّنَ است و بخش دوم بعد است. بخش اول مربوط به ادوار جنینی است، بخش دوم مربوط به ادوار پس از تولد است، منتهی در تفکیک اینها آخرین مرحله آن در دوره جنینی را به عنوان مقدمه آن ادوار طفولیت و جوانی پیری و امثال اینها آورده است.

دلیل هم این است که آن دوره قرار جنینی، دوره‌ای است که خیلی نزدیک به طفولیت است، همه ویژگی‌های طفل را دارد غیر از آن که در آن فضا زیست می‌کند، از این جنت بعد از لِنُبَیِّنَ آورده است.

## نکته دوم

این است که در واقع لِنُبَیِّنَ لَکُمْ که وسط هم آورده است هم به دلیل این است که این دو بخش از هم تمایزی دارد بالاخره آن قبل از تولد است و این عمدتاً بعد از تولد است و هم به این دلیل که لِنُبَیِّنَ را آورده است بعد از ادواری که یک خرده پیچیده‌تر است و دور از حس است و شروع حیات جدیدی در عالم هست، بعد حیات انسانی است و بالا می‌آید، از این جهت لِنُبَیِّنَ لَکُمْ را روی دوره‌ای و مراحلی برده است که از حساسیت بیشتری از این منظر برخوردار است

چون منظر آیه؛ منظر معاد است، اینکه که می‌شود از دل یک موجود که هیچ حیات در آن نبود یک موجود دیگر بیرون بیاید، این خیلی نزدیک‌تر به معاد است و لذا آن را جدا کرده است و لِنُبَیِّنَ را در پایان آن بخش قرار داده است که آغاز پیدایش یک حیات جدید است، یک تطور مهم در این عالم و حیات است.

بعد از آن یک درجه آسان‌تر است و خفیف‌تر است فهم آن، برای اینکه حال که موجود انسانی پیدا شد و حیات دارد و روح دارد یک ادواری را هم طی می‌کند.

از منظر معادی آن بخش اول برجستگی دارد، لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وسط این مراحل آمده است و به آن ادواری خرده است که از منظر معادی درس‌آموزتر است. از یک مایع هیچ، یک موجود ذی‌شعور، ذی‌حیات پدید می‌آید.

هفته قبل عرض کردیم که این آیه و آیات بعد دو مرحله استدلال را بیان می‌کند

این آیات استغراب و استعجاب را برمی‌دارد و می‌گوید تعجب نکنید نمونه دارد و این جزئی از استدلال است، تمامیت استدلال به آیات بعد است که می‌فرماید «**﴿ذَلِکَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلحَقُّ وَأَنَّهُۥ یُحیِ ٱلمَوتَی﴾[[2]](#footnote-2)** این نظام خلقت بر حق استوار است و حق مطلق آن است که این خلقت به یک سرانجامی برسد که تمام استدلال به آن است.

پس بخشی از این استدلال رفع آن پرده و تعجب و استغراب است و تأکید بر امکان این تطور و رویش جدید است، این بخش از آیات امکان مسئله معاد را مطرح می‌کند، آن **﴿بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلحَقُّ﴾** وقوع آن و ضرورت آن را بیان می‌کند.

## تکرار مطلب جلسه قبل

پس این سه چهار آیه را که کنار هم ببینیم، برای اثبات معاد دو گام را بر می‌دارد در این آیات اول گام امکان را بر می‌دارد، تأکید بر این است که ممکن است و در گام دوم به مقوله ضرورت و وقوع توجه می‌کند، **﴿ذَٰلِکَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلحَقُّ وَأَنَّهُۥ یُحیِ ٱلمَوتَیٰ… وَ أَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِیَةٌ لَّا رَیبَ فِیهَا﴾[[3]](#footnote-3)** که هو الحق، آتیةٌ، لا ریب فیها.

## نکته سوم

**﴿وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی﴾** نکته در این إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی است که گفته‌اند به نحوی این نشان دهنده این است که دوره جنینی، مشخص ثابت یک دست برای همه نیست، بالاخره طول دوره جنین متفاوت است از شش ماه تا نه ماه و خرده‌ای وجود دارد، یک انعطافی از لحاظ زمانی در آن جهت وجود دارد لذا می‌فرماید **﴿وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی﴾** تا آن موعد معینی که وجود دارد.

بنابراین جنین‌ها یک زمان ثابتی ندارند، زمان ثابت برای همه نیست، بلکه این زمان متغیر و متفاوت است و لذا می‌فرماید **﴿إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی﴾** تا آن زمان مشخص که نکره است، آن زمان مشخص چیز واضحی نیست، ممکن است تفاوت داشته باشد کما اینکه در عالم واقع هم این‌طور است.

# مراحل تربیتی در قرآن

اما آن مراحلی که مدنظر ما در این بحث هست از این جا شروع می‌شود **﴿ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَمِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی وَمِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلَی أَرْذَلِ الْعُمُرِ﴾** از اینجا به بعد اشاره به سه یا چهار دوره بعد از تولد است، شبیه آیه سوره روم، منتهی با تعابیر متفاوتی، آنجا داشت **﴿خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَیْبَةً﴾** اینجا جور دیگری است، اینجا می‌گوید: **﴿نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا﴾** شما را به شکل طفل در می‌آوریم، بعد هم می‌فرماید: **﴿ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَمِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی وَمِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلَی أَرْذَلِ الْعُمُرِ﴾**، در این بخش آیه چند نکته باز قابل توجه هست:

## نکته اول

**﴿ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا﴾**، این دوره طفولیت است، این دوره طفولیت در قرآن با قرینه این آیه و بعضی آیات دیگر مقصود قبل از بلوغ اشد است که یا بلوغ دقیق حُلم است که بلوغ شرعی می‌گوییم یا یک مقداری بالاتر، (مقدار بالاتر را بعد عرض می‌کنیم). در هر صورت طفولیت در اینجا طفلی است و طفولیتی است که دوره طولانی را می‌گیرد، طفولیت اول و دوم و سوم و حتی بخشی از نوجوانی و حتی ممکن است مقداری از بلوغ را هم بگیرد، برای این که اینجا آن نگاه عام را دارد، سه یا چهار مرحله کلی حیات بشر را بیان می‌کند که بخش اول آن طفولیت است؛ این طفولیت شامل طفولیت اول و دوم و سوم و تا قبل یا کمی بعد از بلوغ می‌شود با نگاه کلی اینها همه طفولیت است که مرحله آغاز به شمار می‌آید در این نگاه خیلی کلان و کلی.

## نکته دوم

این است که **﴿ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾**، این «لام» به خلاف آن لنبین که لام هدف و غرض است این لام غایت است، می‌گوید از آنجا عبور می‌کند به این جا می‌رسد، **﴿لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾** این لام که می‌گویند، لام تعلیل است، غرض است، غایت است؛ دو جور است یک جاهایی فقط بیان غایتی است می‌گوید این مرحله به آنجا می‌رساند، از اینجا به آن مرحله می‌رسد، گاهی هم **﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ﴾[[4]](#footnote-4)** اینجا غرض است برای اینکه به عبادت بپردازند، اصلاً خلق کردند، بنا بر احتمال مشهور، آنجا البته احتمالی داده شده است که فقط غایت باشد ولی ظاهر همان غرض است.

لِتَبْلُغُوا این لام غایت است، یا نهایت است آن مسیر را طی می‌کند، نگاهی به آن غرض و هدف در کار ندارد،

## نکته سوم

**﴿ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾** این بلوغ اشد، ، اولاً در اشد اختلاف ادبی وجود دارد که آیا اشد جمع است که جمع «شِدّه أشد» است این یک احتمال است.

احتمال هم داده شده است که این جمعی است که مفرد ندارد، به نحو سماعی جمعی است که مفرد ندارد، از این قبیل وجود دارد. مثل نساء.

یک احتمال هم داده شده است که این مفرد است منتهی این وزن افعل و اشد مفرد، کم است ولی مفرد است.

در هر صورت از ماده «شدّ» به معنای نیرومندی و توان و از این قبیل است در قرآن هم هر جایی به کار رفته است مقصود دوره‌ای است که نیرو و توان در شخص ظهور و بروز پیدا می‌کند انواع توانایی‌ها، توانایی جسمی، روحی، عاطفی، شخصیتی، همه برای دوره جوانی است.

آنجا هم که می‌گوید **﴿مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً﴾** آنجا هم مقصود انواع قوایی است که پیدا می‌شود اگر جمع باشد اشاره واضح‌تری دارد به تنوع نیرو در دوره جوانی، اینکه از لحاظ جسمی و روحی و عاطفی و شخصیتی به نقطه قوت و شکوفایی رسیده است، نباشد هم همین معنا را افاده می‌کند.

پس **﴿لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾** این بلوغ اشد در تفاسیر هم آمده است، گفته می‌شود از سیزده سالگی یا پانزده سالگی شروع می‌شود یا حتی بعضی گفته‌اند از هجده سالگی، مبدأ آن دو سه احتمال داده‌اند منتهای این دوره بلوغ اشدّ هم از سی سالگی یا بیست و چند سالگی تا چهل سالگی گفته شده است. یک مقدار از این جهت نوسان دارد،

**﴿ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾** آن دوره شکوفایی و قله و قمّه حیات فرد است ولی مرزبندی آن خیلی واضح نیست آن که مسلم است بعد از بلوغ است و اینکه تا سی سالگی هم قطعاً مشمول این دوره است، از بعد از بلوغ تا سی سالگی مشمول این دوره هست گاهی در قرینه آن آیه که بلغ اشدّه، **﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِینَ﴾[[5]](#footnote-5)** گفته شده است در واقع این بلغ اربعین ادامه آن بلغ اشد است و لذا گاهی تا چهل هم برشمرده می‌شود.

علت این که اینها مبهم و بدون مرزبندی دقیق آمده است همان دو نکته‌ای است که گفتیم،

یکی اینکه در انسان‌ها و افراد متفاوت است نمی‌شود همه را یک جور خط کش گذاشت و از لحاظ سنی گفت که این بلوغ اشد، نیرومندی تام و کمال این سال یا از این سال تا آن سال در همه است، لذا با یک ایهامی می‌آید.

نکته دوم این بود که در خود فرد که مقول به تشکیک است نمی‌شود خیلی محدد کرد، در خود فرد هم بگوییم آن نقطه دقیقی که یک فرد به قله توان جسمی و روحی و عقلی می‌رسد چه زمانی است؟ خیلی نمی‌شود این را تفکیک دقیق کرد، اثباتاً نمی‌شود، ثبوتاً هم معلوم نیست خیلی واضح باشد، برای اینکه قوا متعدد است، ممکن است یکی از یک حیث در این سن به اوج این قوه برسد و از حیث دیگر در آن سن بعدی به آن قوه برسد.

از این جهت، نگاه هم که در اینجا نگاه کلی است یک مقطع دو دهه‌ای را می‌گیرد، کل این را **﴿لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾**، به یک بروز آن قله می‌رسد و ادامه هم دو دهه طول می‌کشد، کل این را می‌گوید **﴿لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ﴾** کما اینکه در طفل هم همین‌طور بود؛ از آغاز تا وقتی که به بلوغ أشد برسد قریب به بلوغ شرعی یا همراه آن، یا حتی کمی بعد از آن هست. در آن آیه هم هست که رشد دارد و رشد ممکن است بعد از بلوغ شرعی باشد.

از این جهت این ابهام به دلیل این واقعیت خارجی است که آدم‌ها متفاوت هستند و در یک آدم هم مقول به تشکیک است و از آن طرف آیه هم درصدد این نیست که ریز اینها را روشن بکند، می‌خواهد یک منظر کلی بگوید این‌طور است.

**﴿وَمِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی﴾** در آیاتی بود مثل آیه روم، **﴿مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَیْبَةً﴾** کل این دوره بعد از چهل سال که می‌تواند تا صد سال ادامه پیدا بکند، ضَعْفًا وَشَیْبَةً است کش دارد بعضی همه این را طی می‌کنند و بعضی در میانه راه از دنیا می‌روند.

اینجا بر خلاف آن‌ها این دو قسم را از هم جدا کرده است، دوره بعد از بلوغ أشد که سراشیبی شروع می‌شود را تفکیک کرده است، **﴿مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی﴾** یعنی قبل از اینکه به آن ارذل عمر برسد به قرینه مقابل یتوفی قبل از بلوغ آن سنین هشتاد و نود امثال اینهاست **﴿وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلَی أَرْذَلِ الْعُمُر﴾** بعضی به آن اوج حضیض می‌رسند، **﴿لِکَیْلَا یَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئًا﴾**.

اینها نکاتی است که در این آیه هست. دو سه آیه دیگر هست که این مرور کلی را خواهیم داشت تا به آن سؤالات اصلی برسیم که ان‌شاءالله پرداخته خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

1. - سوره نوح، آیه ۱۴ [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره حج، آیه ۶. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره حج، آیه ۷. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره ذاریات، آیه ۵۶. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره احقاف، آیه ۱۵. [↑](#footnote-ref-5)